

طریقت نویسندہ

زندگی، مہارت، ہنر

جوہس کارول اوتس

ترجمہ

زہرا داورزنی



نشران

۱۳۹۸

سرشناسه: اوتس، جویس کارول، ۱۹۳۸ - م. * Oates, Joyce Carol * عنوان و نام پدیدآور: طریقت نویسنده: زندگی، مهارت، هنر/ جویس کارول اوتس؛ ترجمه زهرا داورزنی. * مشخصات نشر: تهران: نشر آنسو، ۱۳۹۸. * مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م. * شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۸۶-۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا * یادداشت: عنوان اصلی: The faith of a writer : life, craft, art, 2003. * موضوع: اوتس، جویس کارول، ۱۹۳۸ - م. * موضوع: Oates, Joyce Carol * موضوع: اوتس، جویس کارول، ۱۹۳۸ - م. -- نویسنده: Oates, Joyce Carol -- Authorship * موضوع: Authors, American -- 20th century -- Biography * موضوع: داستان نویسی * موضوع: Fiction -- Authorship * موضوع: نویسنده: نویسنده: موضوع: Authorship * شناسه افزوده: داورزنی، زهرا، ۱۳۶۲ - مترجم * رده بندی کنگره: PS۳۵۵۲ * رده بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴ * شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۶۸۰۰۳



طریقت نویسنده

زندگی، مهارت، هنر

جویس کارول اوتس

ترجمه

زهرا داورزنی

امور هنری: آتلیه سایه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۶۸۶-۴-۴

چاپ اول: ۱۳۹۸ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه | بها: ۳۹۰۰۰ تومان

© ۱۳۹۸ حق نشر محفوظ و مخصوص نشر آنسو است.

بهره برداری و نقل قول بدون ذکر منبع به هر صورتی

بدون اجازه ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

www.ansoo.pub

ansoo.pub@gmail.com

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	باور من نویسنده
۱۷	مدرسه منطقه ۷، نیاگارا، نیویورک
۲۹	اولین دلبرانه‌های من: از «جایرواکی» تا «بعد از چیدن سیب»
۳۹	و تو ای نویسنده جوان
۴۵	دویدن و نوشتن
۵۵	«به کدامین گناه ندانسته ...»
۶۹	شرحی بر شکست
۹۳	الهام!
۱۱۱	خواندن به عنوان یک نویسنده: هنرمند به عنوان یک پیشه‌گر
۱۴۷	هنر مرموز نقد خود
۱۵۹	کارگاه نویسنده
۱۶۵	بلندپروازی بلوند: مصاحبه گرگ جانسون با جویس کارول اوتس
۱۷۵	«ج.ک.او» و من (بعد از بورخس)
۱۷۹	منابع

مقدمه

نویسندگی فردی‌ترین هنرهاست. فرآیند جدا شدن از دنیا برای آفرینش جهانی موازی که «خیالی» است - و «تمثیلی» - که آن‌قدر شگرف و غریب است که در وادی درک انسان نمی‌گنجد. چرا می‌نویسیم؟ چرا می‌خوانیم؟ انگیزه ما از خلق استعاره چیست؟ چرا بعضی از ما نویسندگان و خوانندگان «جهان موازی» را فرهنگی مرسوم و معمول نشان می‌دهیم و به حدی غرق زندگی در آن می‌شویم که جهان واقعی را نادیده می‌گیریم؟ این‌ها پرسش‌هایی است که بیشتر اوقات زندگی مرا فراگرفته و هیچ‌گاه پاسخی قطعی و کاملاً متقاعدکننده برایشان پیدا نکردم. باید نظریه زیگموند فروید را در یکی از آخرین جستارهای روانکاوانه‌اش، «تمدن و ملالت‌های آن»، بپذیریم که: «زیبایی هیچ کارکرد مشخصی ندارد و ضرورت فرهنگی مشخصی هم برای آن متصور نیست. بااین حال، تمدن بدون زیبایی راه به جایی نمی‌برد.»

هریک از نوشته‌های این کتاب در دوره‌ای متفاوت از دیگری به رشته تحریر درآمده‌اند و هر کدام جلوه‌گر وجهی متمایز از نویسندگی برای من هستند. به طور حتم، آن محرک به اصطلاح خلاقانه، بنایش در کودکی نهاده می‌شود، زمانی که همه ما هنرمندانی مشتاق هستیم. به همین دلیل،

چند جستار در باب تجربه‌ها و علائق دوران کودکی آورده شده است. از آنجا که نویسندگی ایده‌آل، دستیابی به تعادل میان نگاه شخصی و جهان عمومی و همگانی است، برای ایجاد تعادل میان نگاه احساسی و اغلب خام و ابتدایی و جهان ساختارهای رسمی و عرفی و قابل دسته‌بندی و ارزیابی، باید این هنر را یک مهارت در نظر گرفت؛ بدون مهارت، هنر فردی می‌ماند و بدون هنر، این پیشه صرفاً کاری کلیشه و معمولی می‌شود. در اکثر نوشتارهای حاضر به این موضوع پرداخته شده اما در این راستا از همه مشخص‌تر در بخش «خواندن یک نویسنده: هنرمند، یک پیشه‌ور»، به تحلیل دقیق چند داستان پرداخته شده است. نویسندگان جوان یا مبتدی باید ترغیب شوند که مدام و به‌طور گسترده آثار کلاسیک و معاصر را مطالعه کنند، زیرا بدون غوطه خوردن در تاریخچه این حرفه، یک آماتور باقی می‌مانند، فردی که ۹۹ درصد تلاش‌های خلاقانه‌اش بر اساس شور و اشتیاق است و نه مهارت.

از آنجایی که نوشتن، عملی فردی و درعین حال هنری است، می‌توان درباره آن «آموخت». گرچه نوشتن از ناخودآگاه سرچشمه می‌گیرد، می‌توان تا حدی آن را «آگاهانه» و حتی نسبتاً زیرکانه انجام داد. مطمئناً می‌توان از اشتباهات دیگران، و نه فقط خودمان، درس گرفت. می‌توان از الهامات دیگران الهام گرفت. در نوشتارهای مربوط به «شرحی بر شکست»، «الهام!» و «هنر مرموز نقد خود»، مسائل روانشناسی و زیباشناسی مشترکی را مطرح کردم که شاید نویسندگان منحصربه‌فرد (ازجمله هنری جیمز، جیمز جویس، ویرجینیا وولف) از آن غافل بودند، افرادی که تلاش‌های خود را شخصی و خاص می‌دانستند، چنانکه اکثر ما این‌گونه هستیم. به‌علاوه، همه ما نویسندگان احساس عجیب و ترس‌آور تعلیق هویت را

تجربه کرده‌ایم، به‌ویژه در رابطه با زمان: اینکه ما در یک زمان هم خود نوشتاری مان هستیم و هم نیستیم («جوئیس کارول اوتس و من»).

چه زمانی فهمیدی که می‌خواهی نویسنده شوی؟ سؤالی که بارها از نویسندگان پرسیده می‌شود. برای من این سؤال گنگ و بی‌جواب است. من معمولاً از این پندار اجتناب می‌کنم، اینکه خود را به‌گونه‌ای تشریفاتی و متظاهرانانه «نویسنده» در نظر بگیریم. من از صدای غیب‌گو متفرم، از اهمیت اغراق‌گونه‌ای که پیشگو برای خود قائل است. مواجهه با این پدیده در دنیای بیرون خوشایند نیست، اما بدتر از آن مواجهه با آن در درون خودمان است!

رویکرد حاکم در کتاب طریقت نویسنده قرار است به دور از تعصب و قابل‌تغییر باشد، بیشتر به فرآیند نویسندگی پردازد تا به جایگاه متغیر و متزلزل نویسنده. من در زندگی‌ام به‌عنوان شهروند، مانند زندگی‌ام به‌عنوان نویسنده، هیچ‌گاه به دنبال ارانه رویه و شیوه خاص خود به‌عنوان اصلی برای دیگران نبوده‌ام. مبنای تمام این نوشتارها، احساس حیرت من نسبت به این واقعیت است که چگونه اثری فردی به عرصه همگانی گسترش می‌یابد - که البته متأسفانه گاه بعد از درگذشت نویسنده روی می‌دهد. ما به‌عنوان فردی تنها، کارمان را آغاز می‌کنیم، و برخی از ما ذاتاً تنها هستیم؛ اگر در هنرمان پشتکار داشته باشیم و از پیشه‌مان ناامید نشویم، آرامش را در جهان موازی و رازآلود ادبیات پیدا می‌کنیم، جهانی که فراتر از مرزهای مصنوعی زمان، مکان، زبان و هویت ملی می‌رود. این فرهنگ به‌نوعی از تنهایی افراد متولد می‌شود و شکل عوض می‌کند، فرهنگی همیشه مسحورکننده و همیشه در حال تحول.